

الموت

ولادیمیر بارتول

www.ketab.ir

ترجمه و نگارش:

دکتر محمد مجلسی

نشر دنیای نو

سرشناسه	: بارتول، ولادیمیر Bartol, Valadimir، ۱۹۰۳-۱۹۶۷م.
عنوان و پدیدآور	: الموت / ولادیمیر بارتول، ترجمه و نگارش: دکتر محمد مجلسی
مشخصات نشر	: تهران، دنیای نو،
مشخصات ظاهری	: شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۲-۱۷۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
یادداشت	: عنوان اصلی: Alamot, roman
موضوع	: حسن صباح، ۵۱۸ق. - داستان.
موضوع	: داستان‌های اسلوونیایی - قرن ۲۰م.
شناسه افزوده:	: مجلسی، محمد، ۱۳۰۹ - ۱۳۹۹، مترجم
رده‌بندی دیویی	: ۱۳۸۶ الف ۷/ب PG۱۹۱۸
رده‌بندی دیویی	: ۸۹۱/۸۴۱۵
شماره کتابخانه ملی	: ۸۴۴۹۰۳۱



الموت

ولادیمیر بارتول

دکتر محمد مجلسی

نمونه خوان: سحر اسماعیلی

آماده سازی: کتاب یاشار

امور چاپ: مجتمع دیجیتال ایران

چاپ اول: ۱۴۰۰ - تیراز: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۲-۱۷۸-۹

نشر دنیای نو: تلفن: ۶۶۹۷۰۴۷۲ دورنگار: ۶۶۴۹۱۹۰۸

donyayenopub@gmail.com

کتاب یاشار: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین تلفن: ۶۶۴۰۲۵۷۱

@yasharbook @ ۰۹۰۲۶۴۰۲۵۷۱

قیمت: ۱۶۵۰۰۰ تومان

مقدمه

الموت رُمانی است که نیم قرن بعد از نخستین چاپ به شهرت جهانی رسید. گمنام ماندن این کتاب در این سالهای طولانی چند دلیل داشت: اول آن که به زبان مردم اسلووانی^۱ نوشته شده بود که تنها اقلیتی در شمال غربی یوگسلاوی به آن سخن می گفتند. و طبعاً کتاب‌هایی که بدینگونه زبان‌ها نوشته می شود نامدب‌ها در جهان ناشناخته می ماند. نویسندگان کشورهایی چون فنلاند و مجارستان و آلبانی غالباً با این مشکل روبه‌رو هستند. برای مثال سینوهه مصری اثر میکا والتاری^۲ نویسنده فنلاندی همین سرنوشت را داشت که بعد از سالها به زبانهای دیگر ترجمه شد و میلیون‌ها نفر آن را خواندند و از بداعتش تعجب کردند.

و دلیل دیگر بد اقبالی این رُمان این بود که در سال ۱۹۳۸ یعنی در آستانه جنگ جهانی دوم از چاپ درآمد و در غوغای نبرد، در آخر دهه چهارم قرن بیستم در اروپا، وقایع یازدهم و دوازدهم ایران در این کتاب جایی برای خودنمایی نداشت.

ولادیمیر بارثول نویسنده الموت در سال ۱۹۵۳ در تریست^۳ به دنیا آمد. اعضای خانواده بارثول اکثراً روشنفکر بودند و از دوستداران فرهنگ

۱. Slovanie از جمهوری‌های تازه استقلال یافته در یوگسلاوی.

۳. Triest.

۲. Mikka Waltari.

فرانسه. و خود او قسمت عمده تحصیلاتش را در لیوبلیانا^۱ مرکز اسلوانی به انجام رساند و در دهه بیست به پاریس رفت و در سوربن پای درس استاد نشست. و تا پایان عمر دانش آموختن را رها نکرد و در فلسفه و روانشناسی و زیست شناسی و علم ادیان صاحب نظر بود. با افکار فروید آشنایی عمیق داشت. درباره زندگی پروانه ها تحقیق می کرد. مذاهب گوناگون جهان را عالمانه می شناخت، و در هر زمینه مقاله و مطلب می نوشت.

لیوبلیانا در دهه سی، چهارراه عقاید و آرای متخاصم بود. از اتریش که سرانجام به آلمان نازی منضم شد اندیشه های هیتلری به این سو می آمد. فاشیست های ایتالیا در این طرف مرز فعال بودند و سوسیالیسم نیز هواخواهان زیادی داشت. ولادیمیر بارثول در این گیرودار خود را با خواندن و نوشتن مشغول می کرد و با همه گرفتاری ها که داشت «الموت» را نوشت که شاهکار او بود. و در سال ۱۹۳۸ آن را به دست چاپ سپرد، که با آغاز جنگ حتی نام آن فراموش شد. و نویسنده قلم را کنار گذاشت و تفنگ به دوش گرفت و از ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۶ در آنجا ماند و سپس به لیوبلیانا بازگشت و کار نویسندگی را ادامه داد، مقالات و آثار تحقیقی خود را منتشر کرد، و الموت را در سال ۱۹۵۸ بار دیگر به چاپ سپرد، که اجازه انتشار نیافت. نویسنده در سال ۱۹۶۷ درگذشت و کتاب او بعد از مرگش دوبار در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ به چاپ رسید و به زبان های دیگر ترجمه شد و شهرت یافت، و ستاره اقبال کتاب پس از مرگ نویسنده به درخشش درآمد.

نویسنده در زمان الموت برخلاف تصور گروهی از خوانندگان، قصد تاریخ نویسی ندارد. بلکه در نهایت زیرکی خود را در پشت پرده وقایعی در قرن یازدهم ایران پنهان می کند تا در مورد حوادث روزگار خود

چیزهایی بگوید و رازش را آشکار نمی‌کند تا هرکس به ذوق خود حدس و گمانی بزند. او با دقت و وسواسی شگفت‌آور به نقل جزئیات و قیام می‌پردازد، و گاهی چنان ریزه‌کاری می‌کند که ما را به حیرت می‌اندازد. و بیرحمانه‌ترین صحنه‌ها را با چنان ظرافت شاعرانه‌ای می‌آمیزد که خواننده احساس نفرت نمی‌کند، بلکه به تردید می‌افتد و مجذوب می‌شود و به فکر فرو می‌رود. حسن صباح در این رُمان گاهی عظمتی غول‌آسا می‌یابد و با آن که فریفتگان و فدائیان را زیر پا له می‌کند هرگز ابعاد انسانی و معنوی‌اش را از دست نمی‌دهد. و نویسنده در اینجا به سبک توماس مان در اثر برجسته‌اش، «هیتلر، برادر من!»، نزدیک می‌شود. اشیل^۱ و شکسپیر نیز در نمایشنامه‌های خود از اینگونه قدرتمندان بسیار آفریده‌اند که در نهایت سنگدلی نفرت تماشاگران را بر نمی‌انگیزند.

نویسنده در این رُمان حسن صباح و جنبش اسماعیلیه را از زاویه خاصی می‌نگرد و به ذوق خود طرحی از چهره حسن می‌کشد که هول‌آفرین، اما پرمعنا و جذاب است. حسن صباح که از نام‌آوران تاریخ ایران است، زندگی پرماجرانی دارد. و مانند همه بزرگان عالم پس از مرگ در هاله‌ای از افسانه و رؤیا فرو رفته است. جنبش سازمان یافته و بسیار فعال اسماعیلیه به رهبری او به کمال خود رسید. و چهار صد سال در ایران دوام آورد و حتی هشتاد سال بعد از انقراض فاطمیان مصر پایدار ماند و قرن‌ها گرمابخش جان گروهی از روشنفکران و اندیشمندان ایران بود و بسیاری از آرزومندان را که در جستجوی جامعه‌ای عادلانه بودند مجذوب کرد. اسماعیلیان به تعبیر و توجیهی فلسفی از جهان می‌پرداختند. بردباری و فداکاری را ضامن بقای آئین خود می‌پنداشتند. برآموزش تأکید بسیار داشتند. و خرد را بزرگترین موهبت الهی می‌دانستند.

۱. اشیل Eschyle، شاعر تراژدی گوی یونان قدیم، که او را بنیان‌گذار تراژدی می‌دانند.